



پیشبرد سیاست شوک درمانی و ضرورت تشکیل بلوک آلترناتیو

صادق کار



مسعود پزشکیان در اولین مصاحبه خود با رسانه ها در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران یکبار دیگر از ناگریز بودن سیاست شوک درمانی با عنوان "داروی تلخ" خبر داد.

تاکید مجدد پزشکیان البته برای خیلی ها نکته تازه‌ای نبود. از ابتدای روی کار آوردن پزشکیان هم معلوم بود که تداوم و تکمیل سیاست شوک درمانی دولت رئیسی به او محول گردیده

این را هم در ترکیب و چینش کابینه پزشکیان و صحبت های تعدادی از وزرا و خود پزشکیان و تاکیدات مکرر پزشکیان بر پیشبرد برنامه هفتم رژیم می شد دید. از همین روی معما نبود و نیست. بهمین جهت عده زیادی از طرفداران و منادیان نئولیبرالیسم اقتصادی، یعنی آنهایی که لیبرالیسم را منهای لیبرالیسم سیاسی می خواهند، گرد پزشکیان جمع و در دولت او شریک شدند

این جماعت بر اساس منافع طبقاتی خود عمل کردند و خواهند کرد، بهمین خاطر نمی شود ایرادی به آنها گرفت. البته این جریانان چنانکه در همه ی کشور ها مرسوم است سعی می کنند منافع طبقاتی خود را در بسته پر زرق و برق منافع و مصلحت عموم مردم به قربانیان سیاستهای خود بفروشند و تئوریسین ها و اقتصاد خوانده ها و همچنین رسانه های زیادی که در اختیار دارند به آنان امکان می دهد منافع طبقاتی و ایدولوژیک خود را به مردم ساده دلی که در آرزوی زندگی بهتری هستند بفروشند و بد بختی اش را تحمل کنند. این واقعیتی است که سالهاست در ایران ساری و جاری است. تا وقتی که هژمونی آنها غالب باشد و بدیل سازمان یافته با برنامه‌ای در جامعه در مقابل آنها و برنامه هایشان شکل نگرفته باشد درب روی بهمین پاشنه خواهد چرخید که ده‌ها سال است می چرخد

این نه به آن معنی است که جریان رقیب پزشکیان (جلیلی و شرکا) در آنجا که مربوط به برنامه های اقتصادی و سیاسی و سمتگیری طبقاتی و منافع مردم است، یا در چپ ستیزی با پزشکیان تضاد اساسی دارند و قابل حمایت هستند، خیر به هیچ وجه چنین نیست، بلکه اختلافات آنها عمدتاً ناظر بر اختلافات جریانات حکومتی بر سر نحوه اداره کشور، سیاست خارجی و سهم از ثروت و قدرت است. بنا بر



این آنجا که به سیاست شوک درمانی و سهم مردم از درآمد کشور و استثمار نیروی کار بر می گردد، نه تنها هر دو جناح بلکه عمده اپوزسیون دست راستی هم اختلاف جدی با هم ندارند و نهایت اختلافات شان بر سر سمتگیری عمده بسوی شرق و غرب است

دارودسته جلیلی فریبکارانه به مانند رئیسی در همان حال که از عدالت و عدالتخواهی دم می زند و سعی می کنند آرای مردم زحمتکش و فقیر را بدزدند، در عمل از همان برنامه های دفاع میکنند که رئیسی و خامنه‌ای و پزشکیان می کنند! همان برنامه و راه کارهایی که کشور را به افلاس و اکثریت مردم کشور بالقوه ثروتمند ایران را به فقر و فلاکت دچار کرده است

تصادفی و از روی اشتباه نبود و نیست که اولین تبلیغات انتخاباتی رئیسی در جلسه روسای اتاق بازرگانی برگزار شد و در دولت پزشکیان نیز دولت بطور یک طرفه در مسیر اجرای سیاستهای اتاق بازرگانی قدم بر می دارد و تصادفی هم نیست که دولت اعتنایی به اعتراضات پرشمار کارگران و بازنشستگان که از فقر و بی عدالتی به تنگ آمده‌اند نمی کند و مقامات حکومتی خود را به کری و کوری زده‌اند

نکته اشتراک دیگر هر دو جریان مخالفت با استقرار آزادی های اساسی و دموکراسی یعنی مهمترین نیاز مردم برای رسیدن به عدالت و برابری در جامعه‌ای است که تبعیض، فقر و بی عدالتی و شکاف طبقاتی در آن موجب هزاران اعتراض سالانه و چند جنبش اجتماعی گسترده گردیده. دارو دسته پزشکیان البته گاه از ضرورت تعدیل برخی از سرکوبها دم می زند، اما در عمل جرات ندارند و به صلاح خود هم نمی دانند خارج از چهار چوبی که خامنه‌ای و امنیتی ها و مجالس روحانیون عالی مقام حکومتی ترسیم کرده‌اند، گامی فراتر برند

کسی نمی تواند این را که نیروی چپ مهمترین نیروی مخالف بی عدالتی و تبعیض و نابرابری و آلترناتیو نفولیرالیسم اقتصادی در هر کشوری است و رفع بی عدالتی و حتی جلوگیری از افزایش آن بنا به تجربه جوامع مختلف بدون حضور سازمانیافته بلوک احزاب چپ و سندیکاها و تشکلهای کارگری و عدالتخواه میسر نیست. اما متأسفانه در عمل می بینیم این امر مهم و حیاتی از طرف احزاب و منفردین چپ آنچنان که بایسته است، جدی گرفته نمی شود تا آنجا که کارعه‌ای از آنها بجای تلاش برای کمک به تشکیل بلوکی از نیروهای چپ و کارگری به حمایت و دنباله روی از یکی از این دو جناح ارتجاعی چنان که در "انتخابات" آخری مشاهده شد می انجامد و این کج روی عملاً در جهت تقویت بی عدالتی، سرکوب، فقر، تبعیض، بی حقوق سازی نیروی کار و زحمت و بی چیز شدگان و تحکیم استبداد و سرکوب می انجامد

**از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن**

**بپیوندید!**

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دموکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!**

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران  
و مزد و حقوق بگیران!**



صورتبرداری از خطرات کار کودک در زنجیره های تأمین جهانی بخش چهاردهم

تحلیلی در بخشهای پوشاک، الکترونیک و کشاورزی



نمونه ای از یک معدن کوچک دستی

نوشته راشل جکسون، از انتشارات یونیسف

## 5.2 تلاش های جاری - ادامه

### کیالت، جمهوری دموکراتیک کنگو

بخش خصوصی: واکنش بخش خصوصی به کار کودکان در معادن کوچک و دستی کیالت در درجه اول بر تلاش برای جلوگیری از استخراج کیالت از این قبیل معادن و ورود آن به زنجیره تامین، یا تلاش برای رسمی کردن سایت‌های این قبیل معادن دستی متمرکز شده است. این کیفیت فعالیت معدن را مسئولیت‌پذیرتر می‌کند (بدون کودکان، با شرایط ایمنی بهبود یافته) و قابل ردیابی تا حصول اطمینان حاصل در این باره که شرکت‌ها می‌توانند از معادن کوچک دستی، مشروط به عدم کار کودک در این معادن، خرید کنند. به نظر نمی‌رسد گفتگوهای کنونی آنچنان بر اصلاح ویژه کار کودکان، از جمله اتصال کارگران کودک به خدمات و آموزش متمرکز شده باشد. با این حال، هدف کلی برنامه‌های ناظر بر صنایع معدن کیالت در کنگو، اطمینان از مزایای مستمر معدن‌کاران فعال در معادن مذکور از طریق بهبود شرایط کاری و درآمد است، و نه حذف خریداران تولیدات آنها به طور کامل از زنجیره تامین، تا مگر به این طریق از بروز مشکلات جلوگیری شود.

یک شرکت هلندی است که یک گوشی هوشمند با تاثیر مثبت بر زنجیره ارزش، هم از (Fairphone) فیرفون نظر اجتماعی و هم از نظر زیست محیطی را تولید می‌کند. هدف آن ایجاد شفافیت در زنجیره‌های تامین است تا رویه‌ها را، از جمله در سطح تامین مواد خام در ردیف 4 بهبود بخشد. این شرکت با برنامه "کیالت هماهنگ شده است، با این هدف آن این است که به صورت آزمایشی با رسمی کردن Better Cobalt "بهرتر چهار سایت معدنی کوچک دستی در جمهوری دموکراتیک کنگو، تأمین کیالت را مسئولانه تر کند. فیرفون امیدوار است که این تلاش‌ها به گسترش روش‌های معدنکاری مسئولانه در کشور و بهبود توسعه اقتصادی منجر شوند.

طیفی از سازمان‌های جامعه مدنی در جمعیت‌هایی که به کار کیالت اشتغال دارند، به طور **جامعه مدنی** و "خواهران چوپان (Bon Pasteur Kolwezi) "فعال با کودکان کار می‌کنند. سازمان‌های "چوپان خوب کولوزی خوب"، مستقر در جمهوری دموکراتیک کنگو، مدلی را برای «شمولیت رادیکال» به اجرا درآورده اند که به کمک به خانواده های فقیر و حمایت از کودکان در جماعات معادن کوچک و دستی کمک می‌کنند. آنها



کودکانی را که به کار در معادن مشغول اند، استخدام می‌کنند و رایگان به مدارس می‌فرستند که توسط خود این سازمانها و خانواده‌های جماعات گفته شده ساخته شده اند. در این مدل کل خانواده بخشی از امر مشارکت است؛ از جمله با شرکت در دوره‌های آموزش مهارت و آموزش حرفه‌ای برای بزرگسالان، به ویژه زنان، به عنوان ابزاری برای افزایش درآمد و کاهش انگیزه کودکان برای بازگشت به معدن. آموزش حرفه‌ای مشخصاً متمرکز بر کشاورزی و دامپروری است، یعنی مهارتهایی که به دلیل اتکای گسترده و فراگیر به درآمدهای معدنی تا حد زیادی در منطقه از بین رفته اند.

## کاکائو، ساحل عاج

نزدیک به دو دهه است که شرکت‌های بزرگ شکلات‌سازی مانند مارس، موندلز، **بخش خصوصی** (شرکت صنایع غذایی چندملیتی آمریکایی) و نستله، پس از تصویب قانونی در ایالات متحده، که در پی پایان دادن به کار کودکان در کشاورزی و صنعت کاکائو است، برای رسیدگی به کار کودکان در کاکائو اقدام کرده اند. این شرکتها به اجرای برنامه‌های موازی برای حذف کودکان از کشاورزی کاکائو بی تمایل نیستند و اکثر آنها [در مدل‌های کسب و کارشان] عناصر مشترکی برای کاهش کار کودکان، بهره‌وری کشاورزان و توسعه جامعه دارند. مثلاً برنامه موندلز، معروف به زندگی کاکائویی، بر یک رویکرد جماعت محور تمرکز دارد که شامل اصلاح کار کودکان و پیشرفت جوانان، بهبود درآمد کشاورزان، انعطاف پذیری جامعه و دسترسی به منابع مالی، و حفاظت و احیای جنگلهاست. این برنامه دارای سیستم نظارت و اصلاح کار کودکان است که بر حساس کردن جماعتها به کار کودکان، شناسایی کودکان در معرض خطر و همکاری با سازمان‌های غیردولتی محلی و دولت برای اصلاح موارد کار کودکان تاکید دارد. فعالیت طرفهای نامبرده در جماعت‌های موسوم به "زندگی کاکائویی" است. منظور از آن روستاهایی هستند که بر اساس ارتباطشان با زنجیره تأمین شرکت موندلز هدف برنامه ریزی قرار گرفته اند.

در سال 2014 تلاشی انجام شد تا برنامه‌های شرکت‌های مختلف زیر یک چتر، موسوم به اقدام ، هماهنگ شوند تا علاوه بر هماهنگی بیشتر تلاش‌ها، از همسویی بهتر آنها با دولت CocoaAction کاکائو اطمینان حاصل شود. با این حال، پس از گزارش سالانه 2016، هیچ به روز رسانی دیگری در این باره ارائه نشده است.

شورای قهوه و کاکائو یک هیئت دولتی در ساحل عاج است که مسئول مدیریت فعالیت‌های " **دولت** کاکائو و قهوه است. وظیفه آن شامل مبارزه با بدترین اشکال کار کودکان از طریق مشارکت در برنامه اقدام ملی کشور برای مبارزه با کار کودکان است. این هیئت همچنین پلاتفرم مشارکت خصوصی-عمومی را برای تسهیل گفتگو با بازیگران بخش خصوصی که بر روی کار کودکان در کاکائو کار می‌کنند، هدایت می‌کند. همچنین کمیته ملی نظارت بر اقدام برای مبارزه با قاچاق، بهره‌کشی و کار کودکان وجود دارد. این کمیته برنامه اقدام ملی را تدوین کرده و یک سیستم نظارت بر کار کودکان در سراسر کشور را ایجاد کرده است.

**کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**

**دومین سال روز انقلاب زن، زندگی، آزادی را گرامی می‌داریم!**



پرستاران و راه حل حسن روحانی برای رفع مشکلات و اعتراض آنها

صادق کار



در یکی از رسانه ها به نقل از حسن روحانی راه کاری برای رفع اعتراض پرستاران پیشنهاد شده بود که بیشتر به یک طنز می ماند تا یک راه کار. روحانی به دولت هم کیش خود پیشنهاد کرده بود، دولت مالیات اضافه کاری را از پرستاران نگیرد تا اعتراض آنها را با این وسیله پایان دهد.

این پیشنهاد در حالی ارائه شده که پرستاران از اساس با اضافه کاری و حقوق اندکی که بابت آن به آنها پرداخت می شود مخالف بوده و این تنها یکی از خواسته های پرستاران است. روحانی با این پیشنهاد در واقع با یک تیر دوخو نشان را هدف قرار داده است. تیر اول درخواست ممنوعیت اضافه کاری اجباری است. تیر دوم شلیک به خواسته های اساسی تر پرستاران یعنی افزایش حقوق و حق کارانه، رفع تبعیض در تعرفه گذاری، کاهش فشار کار، پذیرش شغل پرستاری در ردیف قانون مشاغل سخت و زیان آور و پرداخت به موقع حقوق و مزایای مزدی از خواسته های دیگر پرستاران هستند که اهمیت هیچ کدامشان برای پرستاران کمتر از دیگری نیست.

روحانی در واقع حتی خواست ممنوعیت اضافه کاری در کار سخت و سنگین پرستاری را هم نپذیرفته و تنها پیشنهاد کسر نکردن مالیات از بابت حقوق ناچیز اضافه کاری را داده است که رقم کوچکی را شامل می شود. این پیشنهاد البته به جای اینکه کمکی به پرستاران باشد در نفس خود بیشتر به نفع دولت است، زیرا با ممنوع شدن اضافه کاری اجباری دولت برای کاستن از فشار سنگینی که اضافه کاری به پرستاران وارد می کند، مجبور است پرستار زیادی استخدام کند و این از لحاظ اقتصادی هزینه بیشتری برای دولت و کارفرمایان دارد.





البته از کسی که ۸ سال رئیس دولت بوده و در طول زمامداری او هم وضع پرستاران به صورت فعلی و مطالبات آنها در آن دوره نیز همین مطالبات امروزشان بوده نباید انتظاری بیش از او داشت. او در آن ۸ سال خود و وزیر بهداشت او که یک دکتر ثروتمند صاحب بیمارستان در تهران است در تحمیل شرایطی که بارها در همان موقع نیز با اعتراضات پرستاران مواجه شده نقش داشته و حتی آنقدر سخاوتمندی نشان نداده بود که اضافه کاری پرستاران را از شمول مالیات اضافه کاری معاف کند. بنا بر این پیداست که این پیشنهاد روحانی از آنجا که همه ی خواسته های پرستاران را نادیده می گیرد، نمی تواند مورد پذیرش آنها قرار بگیرد و به اعتراضات پرستاران خاتمه دهد. مشکل کارگزاران رژیم اسلامی در این است که تصور می کنند صاحب مملکت هستند و حق دارند مانند اربابان از بالا با مردم رفتار کنند، و با فریب و سرکوب و دادن وعده های دروغ می توانند از رسیدگی درست به مطالبات مردم طفره رفته و به پامال کردن حقوق آنها ادامه دهند. اما اعتراضات پیاپی و همه روزه پرستاران و سایر گروه های زحمتکش و تداوم آنها نشان داده است که مردم از خواسته های به حقی که دارند و از مبارزه برای متحقق کردن خواسته هایشان دست بردار نیستند.

بخش بزرگی از پرستاران که غیر رسمی و شرکتی هستند علاوه بر خواسته های عمومی همکاران شان خواستار استخدام رسمی بجای استخدام های ۸۹ روزه که در زمان دولت روحانی گسترش داده شد هستند. دولت روحانی تا زمانی که مسلط بود حاضر نشد در این مورد که بخشی از سیاست بی حقوق سازی و موقتی سازی مشاغل در دولت او بود کوتاه بیاید و این گروه بزرگ از پرستاران را با وجود کمبود شدید پرستار و نیاز به آنها رسمی کند. این مشکل از بین نرفته و به دولت های بعدی منتقل شده است و امنیت شغلی و به تبع آن برنامه ریزی زندگی خصوصی را برای گروه کثیری از پرستاران عملاً دشوار کرده اس. بهمین جهت این گروه از پرستاران دست از مبارزه برای خلاصی از شر قرار دادهای اسارتبار موقت بر نخواهند داشت. همه ی این خواسته های به حق و بدیهی را تنها با معاف کردن مالیات اضافه کاری از پرستاران رفع کرد

**علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی متحدانه مبارزه کنیم! .**

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!**



## مکثی بر رویدادهای کارگری هفته



اعتراضات کارگران و بازنشستگان در این هفته نیز با قوت و تاکید کارگران و بازنشستگان بر ادامه مبارزات شان تا رسیدن به نتیجه مطلوب ادامه یافت. خاصه اعتراضات در میان کارگران شرکتهای نفتی گسترش پیدا کرد. بنا به گزارش کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت: علاوه بر تجمع کارگران اخراجی ارغوان گستر **کارگران شرکت پالایش گاز فجر جم**، کارکنان رسمی پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر، کارگران رسمی عملیاتی مناطق نفت خیز و ملی حفاری، در روزهای ۲۴، ۲۵ و ۲۶ شهریور در اعتراض به بی توجهی مسئولان و مدیران شرکتهای نامبرده تجمع کردند.

### کارگران نفت فلات قاره سیری خواستار برآورده شدن مطالبات خود شدند!

جمعی از کارگران نفت فلات قاره سیری در تماس با خبرنگار ایلنا، از اعتراض صنفی روز گذشته خود خبر دادند و گفتند: مطالبات کارکنان رسمی نفت در دولت قبل برآورده نشد؛ وزیر نفت وعده داد اما نشانی از عمل به این وعده‌ها نبود؛ امیدواریم با ورود وزیر جدید، مطالبات برآورده شود.

اس حذف مالیات‌های سنگین و پرداخت بکپی دانستند و اضافه کردند: انتظار داریم استقلال و تمامیت صندوق بازنشستگی نفت به رسمیت شناخته شود و از دست‌اندازی به آن اجتناب کنند.

### برگزاری تجمع‌های اعتراضی بازنشستگان مخابرات در ده مرکز استان

بازنشستگان مخابرات در دوشنبه این هفته نیز حداقل در ده شهر و مرکز استان تجمع و خواسته‌های خود را مورد تاکید قرار دادند. تظاهر کنندگان علاوه بر اعتراض به کاهش مداوم قدرت خرید خواهان افزایش حقوق، به پرداخت نشدن معوقات و قطع خدمات بیمه تکمیلی نیز اعتراض کردند.



## تجمع بازنشستگان فرهنگی

به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعی از بازنشستگان ۱۴۰۲ که بیشتر آن‌ها فرهنگیان بازنشسته هستند، در اعتراض به عدم واریز معوقات مزدی و پاداش پایان خدمت خود مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران تجمع اعتراضی ترتیب دادند

## تجمع بازنشستگان در کرمانشاه

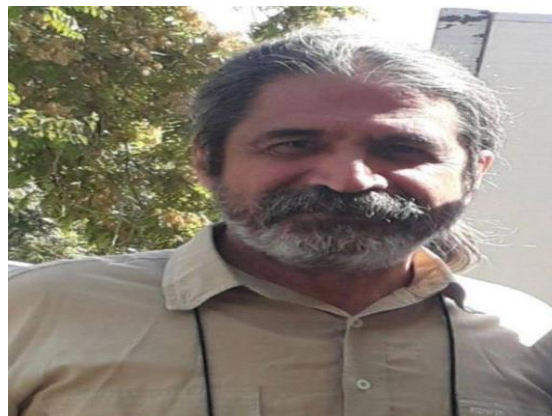
بنا به گزارش منابع مستقل کارگری بازنشستگان کشوری، تامین اجتماعی به همراه تعداد دیگری از اعضای دیگر صندوق های بازنشستگی ۲۵ شهریور بار دیگر در یک تجمع اعتراضی شرکت و بر رسیدگی به خواسته های خود و ادامه اعتراض شان تاکید کردند.

## تجمع های اعتراضی نیروهای پیمانی مخابرات آذربایجان شرقی

به گزارش خبرنگار ایلنا، نیروهای پیمانکاری مخابرات آذربایجان شرقی، یکشنبه ۲۵ شهریور، در محل اداره‌ی مرکزی مخابرات استان آذربایجان شرقی تجمع کردند

نیروهای پیمانکاری می‌گویند: خواسته‌های ما قانونی‌ست و تا زمانی که به مطالبات خود نرسیم دست از اعتراض بر نمی‌داریم

از مهم‌ترین مطالبات نیروهای پیمانکاری مخابرات آذربایجان شرقی می‌توان به پرداخت معوقات، مابه‌التفاوتها، مزایا و حق بیمه‌ها به سازمان تامین اجتماعی، اجرای مواد ۴۸ و ۴۹ قانون کار، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت پایه سنوات، اصلاح و اجرای درست عناوین و گروه‌های شغلی و اعمال حق جذب و تخصص در فیش‌های حقوقی، اشاره کرد



اسماعیل گرامی را آزاد کنید

کارگر بازنشسته، اسماعیل گرامی بار دیگر با اتهاماتی تکراری و پرونده سازی بی پایه و اساس اینبار به یک سال زندان محکوم شده است





اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته در فروردین ۱۴۰۰ نیز بازداشت شده بود و بعد از تحمل حدود ۲ سال از ۴ سال محکومیت خود آزاد شد. ایشان سالیان زیادی است که مبتلا به بیماری صرع می باشد که پس از سالها با دارو بیماری کنترل شده و همچنان تحت درمان قرار دارد. بیماری های دیگر مانند پروستات، کمردرد و... همچنین مشکلات پزشکی مربوط به سالمندی نیز در کنار صرع شرایط را برایشان سخت و پرهزینه کرده است.

پس از آزادی از زندان (زندانهای تهران بزرگ - اوین و درنهایت رجایی) و نامناسب بودن شرایط زندگی و عدم امکانات (از آب آشامیدنی و... تا مکان خواب و بهداشت) بعد از مدتی در ناحیه گردن ایشان درد شدیدی شروع شد که پس از انجام مراحل مختلف نتیجه دیسک گردن نشان داد که وی نیاز فوری به عمل دارد و وقت عمل را هم جراح مربوطه تعیین کرده بود. اما در تداوم اعتراضات برحق بازنشستگان ماموران مجدداً به سراغ ایشان آمدند و سپس بازداشتش کردند که بعد از محاکمه در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

متأسفانه مطلع شدیم که وقت عمل ایشان کنسل شده است و بعد از یک ماه همچنان علاوه بر بیماریهای قبلی درد گردن نیز اضافه شده که فعلاً با مسکن در زندان سر میکند.

حکم جدید یک سال زندان علیه اسماعیل گرامی را محکوم می کنیم. تداوم حبس این کارگر بازنشسته بخصوص با توجه به شرایط جسمانی بسیار نامساعد ایشان بی عدالتی ای آشکار است و او باید فوری و بدون قید و شرط آزاد گردد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۵ شهریور ۱۴۰۳

!در دولت پزشکیان نیز برای معلولان محروم در روی همان پاشنه دولت رئیسی می چرخد

## تداوم قطع مستمری ۱۲ هزار معلول در شهریور ماه

بهر روز مروتی می گوید: مستمری ۱۲ هزار فرد دارای معلولیت برای شهریور ماه هم برقرار نشده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «با حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه در مورد عدم پرداخت یارانه حدود ۱۲ هزار نفر از افراد دارای معلولیت صحبت کردم. از ایشان خواستم با توجه به انتظاری که شکل گرفته، کمک کنند که هرچه زودتر پرداخت انجام شود. به وزارتخانه هم که برگشتم با رئیس بهزیستی علی محمد قادری صحبت کردم که با سازمان هدفمندی یارانه ها رایزنی کنند و نتیجه آن را اطلاع دهند.» این بخشی از روزنوشت احمد میدری، در نخستین روزهای نشستین بر مسند وزارت کار است. میدری از تلاش هایش برای برقراری مستمری ۱۲ هزار فرد دارای معلولیت گفت، اما ظاهراً تلاش ها و رایزنی های او هنوز به نتیجه نرسیده و مستمری این افراد برای شهریور ماه هم برقرار نشده است.



مسئول اصلی مرگ کارگران معدن ذغال سنگ جمهوری اسلامی است!

سودخواهی مضاعف کارفرما ۵۱ کارگر را به کام مرگ کشاند!



متاسفانه تجمع و انفجار گاز متان در معدن ذغال سنگ طبس واقع در خراسان جنوبی بار دیگر فاجعه آفرید و حداقل ۵۱ کارگر از ۶۹ تن را که در حین انفجار داخل معدن بودند، به کام مرگ کشاند و بقیه را مصدوم نمود. مرگ کارگران در معدن تازگی ندارد، اما این نخستین بار است که کارگران در این ابعاد در معدن به کام مرگ کشیده می شوند. به همین جهت این فاجعه از لحاظ تعداد قربانیان نیز، رکورد حوادث معادن در ایران را شکست. علت انفجار آنطور که در گزارشها آمده است، نبود سیستم تهویه و هشدار و رعایت نکردن اصول و مقررات ایمنی توسط کارفرما بوده است. این در حالی است که در فصل چهارم قانون کار که مربوط به مقررات حفاظت ایمنی و بهداشت محیط کار است (ماده ۸۵ تا ۱۰۶) کارفرمایان مکلف به اجرای این قانون شده و برای متخلفین مجازاتهایی در نظر گرفته شده است. با این اوصاف اکثر کارفرمایان با حمایت جمهوری اسلامی، دهها سال است که وقتی به این قانون نمی گذارند و همین امتناع باعث کشته شدن دهها هزار کارگر در طی سه دهه گذشته شده و هر ساله آمار قربانیان حوادث کار به واسطه سود طلبی مضاعف کارفرمایان و عدم نظارت وزارت کار و سایر نهادهای دولتی مسئول، افزایش یافته است. همچنین جلوگیری از فعالیت سندیکاها و تشکلهای کارگری در محل های کار در افزایش همه ساله حوادث کار و قربانیان آن، نقش اساسی دارد. سرمایه داران مالک این معادن، به واسطه روابط و نفوذی که در دستگاه قضایی و دولت دارند، هیچگاه اقدامات اولیه برای حفاظت از جان کارگران را جدی نمی گیرند و به واسطه حمایت رژیم از آنها، قوانین خود جمهوری اسلامی را هم نادیده می گیرند. این فاجعه نه اولین بار است که رخ می دهد و تا زمانی که نسبت به چنین کشتاری در محیط کار یک اعتراض گسترده توسط کارگران معدن و بازماندگان آنها همراه با پشتیبانی دیگر کارگران شکل نگیرد، آخرین بار هم نخواهد بود.

حزب چپ ایران فاجعه ای جان باختن ۵۱ کارگر در معدن ذغال سنگ "معدن جوی" را به خانواده های این جانباختگان، به طبقه کارگر و همه کسانی که غم افشار تهی دست را دارند، تسلیت می گوید، جمهوری اسلامی را مسئول اصلی این فاجعه می داند. ما خواهان محاکمه عوامل این فاجعه در دادگاه علنی، پرداخت خسارت و تامین زندگی بازماندگان مصدومین این فاجعه هستیم. در رژیمی که برای جان کارگر ارزشی قائل نیست، حتی قوانین خود را نیز رعایت نمی کند؛ تکرار مکرر این فجایع تا کنون باعث تغییر رویه دولت و کارفرمایان نشده، خود کارگران هستند که باید با تشکیل سندیکا و تشکل مورد نظر خود در محل های کار، کارفرمایان قانون شکن و حامیان حکومتی آنها را وادار به تامین وسایل ایمنی و بهداشتی و حقوق خود نمایند و به فجایع این چنینی پایان دهند.

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران ۲ مهر ۱۴۰۳ - ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴



تجمع بازنشستگان کارگری در چند شهر/ از مابه‌التفاوت متناسب‌سازی هم محرومیم  
شماره از بازنشستگان کارگری در چند شهر تجمع اعتراضی ترتیب دادند

به گزارش خبرنگار ایلنا، امروز (اول مهرماه)، شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر از جمله شوش، اهواز، کرمانشاه و تهران، در اعتراض به وضع بد معیشتی خود دست به اعتراض صنفی زدند



ادامه اعتراضات کارگری در صنعت نفت و گاز  
گزارش کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از آخرین اعتراضات



دوم مهرماه ۱۴۰۳: ادامه اعتراضات همکاران رسمی در مراکز مختلف نفت و گاز و اعتراض همکاران در شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر

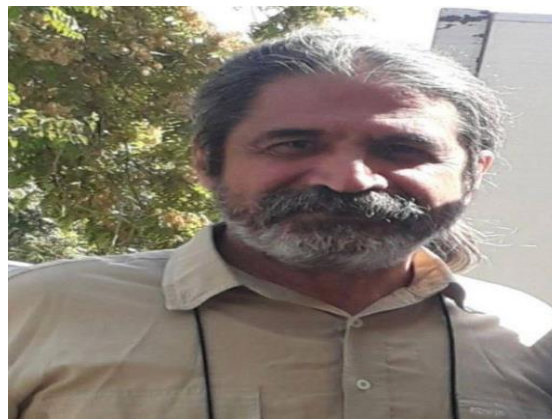
اعتراضات حدود ۴۰۰ همکار شاغل ما در شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر برای پی جویی - مطالبات خود ادامه دارد و امروز دوم مهرماه وارد پنجمین روز خود شد. اکار اصلی این همکاران بارگیری موادشیمیایی از مخازن کشتی‌ها در اسکله است. اهم مطالبات آنها عبارتند از: اجرای تبدیل وضعیت شغلی آنان مطابق با شرکتهای همجوار، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگران پیمانکاری، پرداخت پتروکارت، پرداخت کسورات پاداش‌های بهره‌وری به همراه معوقات سالهای ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ آنها بابت اضافه کاری‌ها. این کارگران همچنین خواستار پرداخت مطالبات بیمه‌ای خود هستند که در برخی ماه‌های سال به موقع پرداخت نمی‌شود.

همکاران رسمی در این روز در مراکز متعددی تجمعات داشتند. این تجمعات از جمله در مجتمع گاز پارس - جنوبی منطقه عسلویه، شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان بوشهر، شرکت پالایش گاز و در سکوی عملیاتی POGC\_ فجر جم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت 2)، سکوهای ۴۰گانه‌ی نصر منطقه سیری انجام گرفتند.

مطالبات مهم همکاران رسمی عبارتند از:

حذف کامل سقف‌حقوق، حذف محدودیت حق‌سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، استرداد مازاد مالیات کسر شده

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از اعتراضات همکاران در بخش‌های مختلف مراکز نفت و گاز حمایت میکند. متحد بمانیم



سندیکای واحد با انتشار بیانیه‌ای محکومیت اسماعیل گرامی فعال کارگری بازنشسته به یک سال زندان را محکوم و خواهان آزادی وی شد





رسول بدایمی مبارز برجسته جنبش معلمان و از رهبران سندیکایی معلمان در حلقه دوستان و یاران در هنگام مرخصی یک هفته‌ای از زندان



تسلیت به همه کارگران و خانواده‌های کارگری در مورد فاجعه قابل پیشگیری انفجار در شرکت معدنچو بنا به آخرین اخبار موجود، بدنبال انفجار در معدن زغال سنگ معدنچو در استان خراسان جنوبی ایران تا این لحظه حداقل ۵۲ نفر کشته و بیش از ۲۰ نفر مجروح شده‌اند.

آنچه مسلم است تحقیقات کامل و مستقل برای محرز شدن از دلایل این انفجار (که نشت گاز در یکی از کارگاه‌های شرکت زغال سنگ معدنچو طبعاً اعلام شده است) بطور دو فوریتی باید صورت بگیرد. اما شکی نداریم که عدم رعایت استانداردها و مقررات ضروری در مورد ایمنی محیط‌های کار و حوادث ناشی از کار و بطور مشخص در مورد کار در معادن از عوامل اصلی این انفجار فاجعه بار و خون آلود بوده است.

کارفرما، شرکت‌های سرمایه داری و دیگر افراد و نهادها و مقامات مربوطه در این کشتار جمعی کارگران مسئولیت مستقیم و کامل دارند و نه تنها باید پاسخگو باشند بلکه خانواده‌های تمامی قربانیان این حادثه تاسفبار باید بطور کامل و همه جانبه خسارت دریافت نموده و تا بررسی و تضمین ایمنی این معدن هیچ کارگری نباید مجبور به کار در آن شده و در این فاصله کلیه حقوق و مزایای کارگران باید بطور تمام پرداخت گردد.

سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های جانباختگان این فاجعه انسانی، علاوه بر کارفرما، کلیه مقامات ذیربط از جمله وزارت کار و اداره کار استان را به دلیل عدم بازرسی دقیق محیط کار





به لحاظ ایمنی محکوم می کند و خواستار محاکمه عاملان این فاجعه جبران ناپذیر و پرداخت غرامت و حقوق و مزایا به خانواده های این عزیزان می باشد.  
صدمه به یک کارگر در هر جا، صدمه به همه ماست  
چاره کارگران وحدت و تشکیلات است  
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه  
مهر ۱۴۰۳

## چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!  
از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد  
حمایت کنیم!

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران را می توانید در  
آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**